هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم و یکم ۲ سنبله ۱۳۹۴ ۱۷ شوال المکرم ۱۴۳۴ - 24 August 2013

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان
در تقبیح کشتار شهروندان مصر به دست نظامیان کودتا چی آن کشور
ص۳

انتخابات و ائتلاف سازی هایی احزاب سیاسی

◇ نذرالله عنایت

احمد ضیاء مسعود رئیس جبههٔ ملی افغانستان، روز چهارشنبه گفته است که یک ائتلاف بزرگ از احزاب و ائتلاف های سیاسی کشور به زودی اعلام موجودیت خواهد کرد.

رئیس این جبهه افزوده است که نشست های احزاب و ائتلاف های سیاسی اکنون ادامه دارند و این احزاب و ائتلاف ها تا چهار روز آینده ائتلاف بزرگی زیر یک نام تازهٔ در کشور خواهند ساخت. وی گفته است که جبههٔ ملی که مشمول، حزب وحدت اسلامی به رهبری حاجی محمد محقق، جنبش ملی اسلامی به رهبری جنرال عبدالرشید دوستم می شود، با ائتلاف ملی که مشمول چند حزب و شخصیت های مستقل می باشد، همراه با جمعیت اسلامی افغانستان این ائتلاف را تشکیل خواهند داد. آقای مسعود تأکید کرده است که با اعلام موجودیت این ائتلاف، نامزد آنان برای ریاست جمهوری نیز معرفی خواهد شد.

در عین حال احمد ضیاء مسعود گفته است: گفتگو ها با احزاب سیاسی و ائتلاف های مطرح کشور نیز ادامه دارد و در یک نشست بزرگ نتایج این گفتگوها اعلام خواهد شد.

در یک سال گذشته تب و تاب تشکیل ائتلاف های سیاسی در کشور شدت یافته و در چند ماه اخیر شاهد تشکیل چندین ائتلاف سیاسی بوده ایم. با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری ائتلاف های تازه شکل می گیرند که در تازه ترین ائتلاف ها جبههٔ اعتماد ملی به رهبری محمد اکبری نمایندهٔ ولایت با میان ایجاد شده است. خبری از ائتلاف حزب وحدت به رهبری کریم خلیلی معاون دوم ریاست جمهوری و عبدالهادی ارغندیوال رهبر حزب اسلامی به رسانه ها درز کرده است. هدف اصلی این گونه ائتلاف ها و جبهه ساختن ها را انتخابات بهار سال آینده تشکیل می دهد. قرار است تا یک ماه آینده روند ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی آغاز شود.

این ائتلاف ها در حالی شکل می‌گیرند که حدود ۷ ماه بیشتر به انتخابات ریاست جمهوری نمانده و بر اساس تقویم انتخاباتی قرار است ثبت نام نامزدهای انتخابات تا چند هفته دیگر شروع شود. ص۶

فراخوان
بمناسبت سالگرد شهادت شهید صلح و قهرمان ملی کشور




خوانندگان گرامی «مجاهد» و ارادتمندان دو ابر مرد بزرگ و دو قهرمان جنگ و صلح - شهید صلح، رهبر جهاد و مقاومت، رهبر خِردمند جمعیت اسلامی، رئیس پیشین دولت اسلامی و شورای عالی صلح شهید استاد برهان الدین ربانی که در ۲۹ سنبلهٔ ۱۳۹۰ توسط انتحاری به نام پیام آور صلح جام شهادت نوشید و فرماندهٔ نستوه و قهرمان ملی کشور، سپهسالار دوره های جهاد و مقاومت شهید احمد شاه مسعود که در ۱۸ سنبلهٔ ۱۳۸۰ توسط دو فرد انتحاری به نام خبرنگار در خواجه بهاء الدین ولایت تخار به شهادت رسید – مطلع اند که دومین سالگرد شهادت شهید صلح و دوازدهمین سالگرد شهادت قهرمان ملی کشور در حال فرارسی است.

«مجاهد» بدین مناسبت در نظر دارد تا شماره های ویژهٔ را به مناسبت های ۱۸ و ۲۹ سنبله به نشر بسپارد. بناءً از کلیه بزرگواران، دوستان و رادتمندان، نویسندگان، شعراء و همه آنانی که با استاد بزرگوار و مسعود بزرگ دیدار و خاطره ای از ملاقات به حافظه دارند، تقاضا به عمل می آید تا مطالب و خاطره های شان را غرض نشر در «مجاهد» به آدرس ذیل گسیل فرمایند.

«ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد»

mujahid1357@yahoo & hotmail.com

کودتای مصر:
بدیع را زندانی کرد و مبارک را آزاد!
همی گفتند: نگردد آب رفته باز برجوی
به چشم خویشتن دیدم که برگشت
ص۷

دشواری های قرارداد امنیتی با امریکا

◇ وحید مژده

مذاکرات روی قرارداد امنیتی از مدت ها قبل میان مقامات افغان و امریکایی ادامه داشت که با بازشدن دفتر طالبان در قطر، از طرف حکومت افغانستان به حالت تعلیق درآمد. از آن به بعد مقامات امریکائی با فشار و تهدید تلاش نمودند تا رئیس جمهور کرزی را وادار به امضای این قرارداد نمایند.

مذاکراتی که به منظور ساختن یک چهارچوب تخنیکی برای این قرار داد میان سفیر افغانستان در امریکا اکلیل حکیمی و نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان ادامه داشت، مدتی قبل به پایان رسید. بقول سفیر افغانستان در امریکا، مرحلهٔ مقدماتی تکمیل شده و اکنون باید مقامات عالی رتبه تر در مورد جزئیات تخنیکی با هم به مذاکره بپردازند. از طرف امریکا در این مذاکرات، جنرال دانفورد و سفیر امریکا در کابل تعیین گردیده است و هیئت نماینده گی افغانستان متشکل از رنگین دادفر سپنتا مشاور امنیت ملی، اشرف غنی احمدزی رئیس پروسهٔ انتقال مسؤولیت های امنیتی و زلمی رسول وزیرامور خارجهٔ افغانستان خواهند بود.



مذاکرات مقدماتی در امریکا روی مسایلی غور نمود که تا حد زیادی مورد اختلاف است از جمله موضوع نهایت حساس مصوونیت قضائی نیروهای خارجی در افغانستان، مسئلهٔ دفاع از مرز های افغانستان در برابر حملات خارجی، کمک به بازسازی سکتور های دفاعی و امنیتی افغانستان و کمک های اقتصادی.

دولت افغانستان از امریکا خواهان کمک های گسترده در بخش های اقتصادی، نظامی و سیاسی است اما دولت امریکا نمی خواهد خود را متعهد به قراردادی سازد که درگیر بحران افغانستان باقی بماند. ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

صلح، به نفع افغانستان و پاکستان است

قرار است رئیس جمهور حامد کرزی بنا به دعوت مقامات پاکستان در روزهای آینده عازم آنکشور شود. امیدواری بر این است تا سفر رئیس جمهور کرزی به پاکستان نتایج مثبتی برای هر دو کشور در پی داشته باشد و روابط میان افغانستان و پاکستان بهبود پیدا کند.

در طی یازده سالی که گذشت، بارها سران هر دوکشور با هیئت های بلند پایه به کشورهای یکدیگر سفر هایی داشته اند که منظور این ملاقات ها و دید وادیدها آوردن صلح، تحکیم روابط بین هر دو کشور خوانده شده، اما این روابط پایدار باقی نمانده است.

روابط دو کشور از سال ها بدینسو پر تنش بوده و یکی دیگری را در مواردی متهم نموده اند. خصوصاً در حمایت از طالبان و گروه های مسلح مخالف دولت، افغانستان پاکستان را بارها متهم به این نموده است که لانه های تروریسم در خاک آن کشور است و هراس افگنان از آنسوی خط دیورند وارد کشور ما می شوند و در نا آرامی های افغانستان نقش دارند.

بعد از آنکه نوازشریف قدرت سیاسی را در پاکستان بدست گرفت و نخست وزیر انتخاب شد بار اول سفر رئیس جمهور افغانستان به آنکشور است. زمان پاسخ خواهد داد که نتایج این نشست به روابط نیک هر دو کشور خواهد انجامید و یا اینکه همانند گذشته بی باوری ها را تقویت و نگرانی های امنیتی را بیشتر خواهد ساخت.

از آنجایی که اکثریت بدین باور اند نقش پاکستان در حمایت از پروسهٔ صلح افغانستان مهم و کلیدی است. جمعیت اسلامی افغانستان خواستار حمایت و همکاری پاکستان در روند صلح و تحکیم روابط بین دو کشور می باشد. به حدی که این همکاری بتواند به تقویت و بهبود هرچه بیشتر، در برگیرندهٔ تأمین امنیت و ثبات در کشور ماست، کمک نماید. این را نباید نادیده گرفت که تحکیم پایه های صلح و ثبات در افغانستان، در تمام عرصه ها به نفع پاکستان نیز خواهد بود. در صورتی که این نشست ها و دیدوادیدها در بهتر شدن روابط دو کشور بیانجامد و راه گفتگو و مذاکره را با مخالفان مسلح دولت افغانستان وسیله شود و در نهایت ختم جنگ و نا امنی ها را در پی داشته باشد جمعیت اسلامی افغانستان از آن ، استقبال می کند.

سفر بیستم

◆ **ابوبکر سبزوار**

قرار است رئیس جمهور کرزی برای بیستمین بار بعنوان رئیس جمهور افغانستان به پاکستان سفر نماید. بعد از بمیان آمدن حکومت جدید برهبری نوازشریف، این نخستین سفر حامدکرزی به اسلام آباد است.

قبل از اینکه به انتظارات حکومت افغانستان از این سفر و پی آمد های احتمالی آن بپردازیم، به ماجرائی که چند روز قبل اسلام آباد پایتخت پاکستان را مدت بیش از پنج ساعت فلج کرد، اشاره کنیم و میزان توانمندی اسلام آباد در مقابله با نا امنی های داخلی خود این کشور را با انتظارات افغانستان از اسلام آباد مقایسه کنیم تا مشخص گردد که پاکستان تا چه حد ناتوان است.

ساعت ۴ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۵ اگست ناگهان شبکهٔ تلویزیونی جیو نیوز پاکستان برنامهٔ عادی خود را قطع کرد و خبر از یک حملهٔ تروریستی به شهر اسلام آباد داد. در خبر گفته شد که فردی سوار بر یک موتر زمانی که به فرمان توقف پولیس در یک منطقهٔ بسیار حساس از پایتخت اسلام آباد توجه نکرد، پولیس تلاش نمود تا موتر حامل وی را متوقف سازد اما فرد مظنون با شلیک گلوله های هوائی، از چنگ آنان فرار کرد و اکنون در وسط شاهراه قاید اعظم نزدیک منطقهٔ Red Zoon موتر وی متوقف شده و مرد مذکور که مسلح به دو تفنگ است، در این نقطه بدون خوف و هراس بصورت وقفوی به فیر هوائی می پردازد.

اندکی بعد خبرنگاران تلویزیون به منطقه رسیدند و چهرهٔ مرد مذکور در صفحهٔ تلویزیون ظاهر شد. مشخص گردید که وی همراه با یک زن و دو طفل در داخل موتر قرار دارد و مسلح به دو تفنگ خودکار است.

جاده ها مسدود گردید و زنده گی معمول در پایتخت پاکستان عملاً فلج شد. زن همراه مرد که بعدا مشخص شد همسرش می باشد، میان پولیس و شوهر خود به رفت و آمد پرداخت و نقش پیام رسان را ایفا می کرد. در دو مورد رئیس پولیس اسلام آباد نزد این مرد رفت و از وی خواست تا تسلیم شود اما وی حاضر به این کار نبود.

مرد مسلح در داخل موتر گاهی سکرت می کشید و زمانی نوشابهٔ انرژی زا می نوشید. او چند بار هم از موتر پائین شد و بدون خوف و هراس به گشت و گذار در چند قدمی موتر پرداخت درحالی که پولیس بیشتر در نقش یک تماشاچی در این ماجرا ظاهر شد.

مردم هم به تجمع در نزدیکی محل واقعه پرداختند در حالی که شبکه های تلویزیونی که به پخش زندهٔ این ماجرا مشغول بودند، به مردم خاطر نشان می کردند که این ماجرا « شوتنگ» کدام فیلم نیست و برای جلوگیری از خطرات باید به محل نزدیک نشوند. شبکه های تلویزیونی ضمن نمایش زندهٔ این ماجرا، آنرا مایهٔ سرافگنده گی برای نیروهای امنیتی پاکستان می خواندند.

سوال این بود که در یکی از حساس ترین مناطق پایتخت پاکستان و به فاصلهٔ اندکی از دفتر صدراعظم و پارلمان این کشور، چگونه یک فرد مسلح داخل می شود و به فیر گلوله می پردازد اما پولیس عملاً در برابرش کاملاً ناتوان است؟ در جواب این سوال که آیا «سنایپر» یا نشان زن ماهر وجود ندارد تا از فاصلهٔ دور وی را مورد شلیک گلوله قرار داده و به این غایلهٔ رسوا پایان دهد. گفته شد که قرار است تا یک نشان زن با تفنگ از راولپندی به اسلام آباد برسد اما تا ساعت ده و نیم شب یعنی در پنج و نیم ساعت این نشان زن به محل واقعه نرسید!

مسخره گی بجائی رسید که سیاستمداران پاکستانی در جریان مداخله کردند و به مذاکره با فرد مسلح پرداختند تا او را به تسلیم شدن وادار سازند. مشخص بود که زن این مرد نیز با وی همکار است و حتی پولیس به این باور بود که زن شاید واسکت انتحاری در تن داشته باشد.

سرانجام ساعت حدود ده و نیم شب یکی از فعالان پیپلز پارتی به نام زمرد خان به شخص مسلح که اینک مشخص شده بود اسکندر نام دارد نزدیک شد و به بهانهٔ مذاکره بسوی وی حمله برد. هرچند زمرد خان بجای اینکه مرد مسلح را دستگیر نماید، خود بر زمین افتاد اما همین مسئله موجب گردید تا پولیس بدون برنامه بسوی سکندر حمله نماید و با شلیک گلوله وی را مجروح و دستگیر سازد.

اکنون بعد از چند روز مشخص گردیده که سکندر تروریست نبوده است اما وی اتهام عمل تروریستی و اخلال نظم عامه، شاید به معیاد طویل حبس محکوم گردد. همسر وی نیز به اتهام همکاری با وی در زندان بسر می برد.

زمرد خان بخاطر این اقدام مورد انتقاد قرار گرفت که در کاری که به وی مربوط نبود مداخله کرده است اما وی گفت که من نمی توانستم بیشر از این شاهد این ذلت پاکستان باشم که یک نفر با دو تفنگ در جلوی چشم مردم دنیا، پایتخت کشورم را گروگان گرفته است. مردم دنیا به ما می خندیدند! این وضع در پایتخت پاکستان است؛ کشوری که ما انتظار داریم در برنامهٔ صلح ما را یاری نمایند.

زمانی که سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی صدراعظم پاکستان به کابل آمد و از آقای کرزی برای سفر به پاکستان دعوت نمود، حکومت افغانستان این دعوت را بصورت مشروط پذیرفت و شرط این بود که این سفر باید بر بنیاد یک اجندای از قبل تعیین شده صورت گیرد و مواردی که روی آن بحث صورت می گیرد باید از قبل مشخص گردد.

سالهاست که حکومت افغانستان پاکستان را به دخالت در امور افغانستان متهم می سازد و مدعی است که مراکز تمویل و تجیهز شورشیان و تروریست ها در آنسوی سرحد قرار دارد. پاکستان اگر صادقانه خواهان همکاری با افغانستان است، باید این مراکز را از بین ببرد.

از جانب دیگر مقامات پاکستانی که به لاف و گزاف عادت دارند، در هر فرصتی از طریق رسانه ها از نفوذ شان بر طالبان افغان سخن می گویند و چنین وانمود می سازند که کلید مشکل جنگ در افغانستان در اختیار آنان است اما در نشست های جدی و دیپلوماتیک، خود را ناتوان وانمود می سازند و می گویند که توان وادار ساختن طالبان به کاری را ندارند اما می توانند آنها را تشویق نمایند تا با حکومت افغانستان مذاکره کنند.

گزافه گوئی های رهبران پاکستان در مورد میزان نفوذ آنان بر طالبان افغان موجب گردیده تا موازی به آن، انتظارات حکومت افغانستان نیز از پاکستان افزایش یابد اما امریکائی ها که دید دقیق تری بر اوضاع دارند، از مدت ها قبل این ضعف پاکستان را متوجه شده و میزان انتظارات خود از پاکستان را کاهش داده بودند.

در شرایطی که پاکستان خود هر روز به موجی از نا امنی ها مواجه است، می توان از این کشور انتظار کمک به صلح در افغانستان را داشت؟ اکنون حکومت پاکستان دست بسوی طالبان خود دراز نموده و از آنان می خواهد تا به حکومت مذاکره نمایند اما طالبان پاکستان تمایل زیادی به این کار نشان نمی دهند.

بنابراین اگر انتظار حکومت افغانستان از پاکستان، وادار ساختن طالبان افغان به مذاکره با حکومت یا شورای عالی صلح باشد، باید از همین اکنون قبول کنیم که سفر بیستم هم سفری بی دست آورد خواهد بود.

دشواری های قرارداد امنیتی با امریکا

ادامه از صفحهٔ اول

امریکا می خواهد در افغانستان مانند گذشته دست باز داشته و حکومت افغانستان محدودیتی برایش بمیان نیاورد.

موضوع مصوونیت قضائی از مسایلی است که در امریکا مورد بحث قرار گرفته و جانب افغان به مقامات امریکائی موضوع ON BASE و OFF BASE را مطرح بحث قرار داده است. به این معنی که اگر یک سرباز امریکائی در داخل قرارگاه خود مرتکب جرم و جنایت می شود، در آنصورت مطابق به قوانین ایالات متحدهٔ امریکا محاکمه شود اما اگر جرم خارج از پایگاه واقع گردد، در آنصورت مطابق به قوانین افغانستان مورد محاکمه قرار گیرد.

بر طبق چنین قراردادی، در حقیقت افغانستان پایگاه های امریکا در خاک افغانستان را بخشی از قلمرو امریکا می شناسد و این خود با حاکمیت ملی افغانستان در تضاد است. زیرا اگر امریکا در داخل این پایگاه ها زندان داشته باشد و زندانیانی را از کشور های دیگر به این زندان بیاورد، دولت افغانستان حق اعتراض را نخواهد داشت. این گونه پایگاه ها می تواند روابط افغانستان را با کشور های همسایه اش نیز مواجه به خطر سازد زیرا افغانستان توان کنترول این پایگاه ها را ندارد. دولت افغانستان می خواهد تا تعداد سربازان مشخص باشد و رفت و آمد های آزادانه وجود نداشته باشد اما امریکا چنین محدودیتی را نمی پذیرد.

خواست دیگری افغانستان موضوع دفاع از مرز های این کشور در صورت حملهٔ خارجی است. افغانستان بخاطر حملات پاکستان به مناطق مرزی خود و بی تفاوتی نیروهای خارجی در برابر آن، ناراضی بوده است اما استدلال امریکائی ها این بوده که افغانستان مرز های نامشخصی با پاکستان دارد. این کار در حقیقت به معنی فشار بر افغانستان هم تلقی می شود تا دیورند را بعنوان یک خط مرزی با پاکستان برسمیت بشناسد.

اما باید این نکته را در نظر گرفت که وجود پایگاه امریکائی در یک کشور، آن کشور را از حملات همسایه های آن مصوون نمی سازد. مثال کاملاً روشن آن پاکستان است که پایگاه های امریکائی در این کشور در دوران جنگ با هند و پاکستان کاملاً بی طرف باقی ماند و هیچ کمکی به نیروهای پاکستان ننمود. بنابراین این خواست از جانب افغانستان به هیچ صورت مورد قبول امریکا نخواهد بود.

مسئلهٔ استقرار سربازان امریکائی در پایگاه های این کشور در افغانستان نیز معمای حل ناشده است. رئیس جمهور کرزی می گوید که امریکائی ها خواهان داشتن نُه پایگاه در خاک افغانستان اند اما امریکائی ها می گویند که آنها خواهان حضور در نُه ولایت افغانستان اند. این سخن به این معنی است که امریکا نمی خواهد به محل استقرار نیروهای خود در افغانستان نام پایگاه بگذارد.

نخست اینکه تعداد سربازانی که در افغانستان باید باقی بمانند از ده هزار نفر بیشتر نخواهد بود و تقسیم این تعداد از سربازان در نُه پایگاه، آنها را در برابر حملات طالبان آسیب پذیر می سازد. این قرارگاه ها اگر مشترک با نیروهای افغان باشند، مشکل حملات سبز بر آبی مزید بر مشکل خواهد بود. بنابراین امریکائی ها می خواهند در انتقال نیروهای شان در صورت ضرورت از یک ولایت به ولایت دیگر دست باز داشته باشند تا این آسیب پذیری را به حداقل کاهش دهند.

قبول پایگاه در این قرارداد به این معنی است که امریکا باید سالانه به جانب افغانستان مقادیر هنگفتی پول بخاطر استفاده از پایگاه ها بپردازد. آمدن نام پایگاه در این قرارداد می تواند هم برای امریکائی ها به معنی پرداخت پول به جانب افغان بعنوان یک حق باشد اما امریکائی ها به جانب افغانی می گویند که اگر ما نام پایگاه را در این قرارداد ذکر کنیم، هم موجب حساسیت در بین کشور های همسایه و منطقه می شود و هم انگیزهٔ دوام جنگ را در میان مخالفین مسلح تقویت می نماید پس بهتر است نام آنرا پایگاه نگذاریم. ناگفته پیداست که چنین استدلالی هرچند می تواند قابل توجیه باشد اما کاملاً به نفع امریکا خواهد بود.

از جانب دیگر شرایط محاط به خشکه بودن افغانستان نیز مشکل بزرگی فراراه تامین تجهیزات و مواد لوژستیکی این نیروهاست و هر قدر تعداد سربازان زیاد باشد، این مشکل جدی تر خواهد بود. به همین دلیل در حالی که نظامیان امریکائی تاکید دارند تا امریکا هرچه زود تر شمار سربازانی را که باید بعد از سال ۲۰۱۴ در افغانستان باقی بمانند، مشخص سازد، رئیس جمهور امریکا که تصمیم اصلی در این مورد از صلاحیت اوست در این مورد هنوز تصمیمی نگرفته است.

موضوع تامین تجهیزات پیشرفته به نیروهای افغان نیز خواست دیگر از جانب حکومت افغانستان است که امریکا حاضر نیست تعهدی در این مورد به جانب افغان بدهد. نیروهای امریکائی وسایل و تجهیزات خود به ارزش ۷ میلیارد دالر را در افغانستان نابود کرده اند. یک مقام نظامی امریکائی در مصاحبه با تلویزیون بی بی سی در این مورد گفت که، «ما نمی خواهیم بعد از خروج ما، این وسایل به دست دشمن بیافتد» این سخن به وضوح نشان از عدم اطمینان امریکا از آیندهٔ افغانستان حتی در صورت امضای قرارداد امنیتی دارد و به همین دلیل امریکا نمی خواهد این قرارداد حاوی تضمینی به جانب افغانستان باشد که امریکا را در معضل افغانستان برای مدت طولانی درگیر سازد.

در رابطه به تجهیز نیروهای افغان باید گفت که امریکا قبل از حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ سه تعهد نانوشته به پاکستان داشت که تاکنون به آن وفادار مانده است:

۱- از نزدیک شدن هند به مسایل افغانستان بخصوص همکاری های نظامی جلوگیری نماید.

۲- به مهار آب های افغانستان را که بسوی پاکستان جاری است، کمک نکند.

۳- نیروهای نظامی افغان را در حدی تقویت نکند که برای پاکستان چالش بشمار آید.

بنابراین انتظار تجهیز این نیروها از جانب امریکا و متحدین این کشور انتظار بیهوده است و حتی امریکا هند را از کمک نظامی به افغانستان باز داشته است.

اگر وضع چنین است پس حکومت افغانستان در این میان چه وسایلی در دست دارد تا امریکا را به قبول خواست های خود وادارد؟ تاکنون تصور این بود که امریکا برای محاصره ایران و چین و استفاده از منابع آسیای میانه، به خاک افغانستان ضرورت داشته و بنابراین در معاملهٔ امضای قرارداد امنیتی، افغانستان دست بالا دارد. حامدکرزی بارها به این نکته تاکید داشته که امریکا اهداف بزرگی در این منطقه از جهان دارد. ما نمی توانیم مانع دسترسی امریکا به این اهداف گردیم اما می خواهیم که امریکا با ما بعنوان یک شریک در این بازی رفتار نماید.

بنابراین از همان ابتدای کار امریکا مشخص ساخته بود که افغانستان فاقد ظرفیت لازم برای شریک شدن در این بازی است. ما افغان ها در این بازی در موقفی قرار داریم که پاکستان در برابر هند قرار دارد ؛ به این معنی که هند در مقایسه با پاکستان برای امریکا به مراتب اهمیت بیشتر در بازی های جهانی و منطقوی دارد درحالی که پاکستان برایش فقط بعنوان یک ابزار منطقوی مطرح است. در حالی که پاکستان از امریکا خواستار آنست که برایش نقشی معادل هند داده شود اما امریکا چنین ظرفیتی را در پاکستان نمی بینند.

وقتی پاکستان بعنوان کشوری برخوردار از نظام و دارای قدرت اتومی و ارتشی نیرومند برای امریکا چنین موقفی دارد، جایگاه افغانستان در این بازی از قبل مشخص است. افغانستان از نظر امریکا یک کشور نیست بلکه پارچهٔ اضافه بریده از کشور های این منطقه است که بخشی از مرزهایش نیز نامشخص است. سرزمینی با تنوع ای از اقوام مختلف که با هم درگیر منازعه اند. وقتی امریکا نمی تواند چنین جغرافیائی را بصورت یک دست کنترول نماید، مجبور خواهد بود تا با هرقوم جداگانه معامله نماید و از هرکدام استفادهٔ ابزاری نماید.

وقتی امریکا می خواهد با افغانستانی با چنین تعریف و مشخصه، قرارداد امنیتی امضاء نماید، تلاش دارد تا هیچ تعهدی را نسبت به این جغرافیا قبول نکند. امریکا بعد از دوازده سال، لااقل این تجربه را دارد که افغانستان سرزمینی متفاوت با هرجای دیگر است. امریکا بخوبی می داند که امضای قرارداد امنیتی یعنی ادامهٔ جنگ برای این کشور در افغانستان با امکانات به مراتب محدود تر شرایطی خطرناک تر.

اکنون سوال اینست که وقتی چنین است پس هدف امریکا از امضای چنین قرارداد با چنین کشوری چیست؟ جواب شاید این باشد که امریکا می خواهد از افغانستان، خروجی متفاوت از عراق داشته باشد. خروج امریکا از عراق بدون امضای قرارداد سبب شد تا این کشور در اذهان، شکست خوردهٔ آن جنگ جلوه نماید، وگرنه هرکسی می تواند تصور نماید که کاری که با ۱۵۰ هزار سرباز در افغانستان ممکن نشد، با ده هزار سرباز بعید از امکان است.

اعلامیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان
در تقبیح کشتار شهروندان مصر به دست نظامیان کودتا چی آن کشور

کودتا چیان نظامی مصر روز چهارشنبه ۱۴ آگست بر تجمعات تحصن گران معترض علیه کوتای نظامی بر ضد حکومت منتخب و رئیس جمهور قانونی آن کشور در میدان نهضت و مسجد رابعهٔ عدویهٔ قاهره یورش بردند و تاکنون هزاران شهروند غیر نظامی متحصن در این دو محل و مسجد فتح در میدان رامسیس قاهره و سراسر کشور مصر را به تیر بستند و صدها تن آنان را به شهادت رسانیدند و هزاران تن دیگر را مجروح کردند. در میان قربانیان این فاجعهٔ خونین شماری زیاد از زنان و کودکان نیز وجود دارند. هزاران اشتراک کننده در این اعتراضات مسالمت آمیز را با ضرب و شتم به زندان ها افگندند و بیش از سی نفر از گرفتار شدگان را پیش از رسانیدن به زندان شهید کردند؛ کاری که حتی در مورد اسیران جنگی جنایت تلقی می گردد.

به باورما این آشوب برپا شده توسط کودتاچیان بر ضد یک حکومت مشروع اقدامی است که جبران آن جز به بازگشت به عقلانیت و دست برداشتن از زورگویی و احترام به ارادهٔ اکثریت مردم مصر راهی دیگر ندارد و کشتار فرعون منشانهٔ مردم بی دفاع مصر جز به برافروختن خشم مردم و تداوم بخشیدن به بی ثباتی در جامعهٔ مصر و گسترش آن به سایر کشور های منطقه پی آمدی ندارد و سکوت در برابر این استبداد خونین زمینه را برای بالنده تر کردن گفتمان افراط گرایی و رویکرد های خشونت آمیز فراهم خواهد کرد و رویکرد های دموکراتیک و مردم سالارانه را در اذهان توده های محکوم استبداد بی محتوا جلوه خواهد داد و موجب گسترش بی ثباتی و برهم زدن صلح و امنیت جهانی خواهد گردید.

این عمل نظامیان مصر بی درنگ یک جنایت آشکار برضد تمامی ارزشهای انسانی و مدنی در همهٔ ادیان و فرهنگ ها تلقی می گردد. با آنکه این جنایت ضد بشری واکنش هایی گسترده را در سراسر جهان به ویژه در میان ملت های مسلمان و آزاده در پی داشته است، نظامیان کودتاچی مصر بی رحمانه به کشتار شهروندان معترض ادامه می دهند و نهاد های جامعهٔ جهانی تنها به محکوم کردن آن اکتفا کرده و با تأسف در جهت جلوگیری از ادامهٔ این فاجعهٔ ننگین انسانی دست به اقداماتی جدی نزده است.

جمعیت اسلامی افغانستان همان گونه که کودتای نظامیان برضد حکومت مشروع مصر را محکوم کرد، این عمل ددمنشانهٔ نظامیان کودتاچی مصر را جنایت آشکار علیه بشریت و ارزشهای انسانی و فرهنگ مدنی می داند و از همه نهاد های جامعهٔ جهانی؛ سازمان ملل متحد؛ شورای امنیت؛ کشور های مدافع حقوق بشر و آزادی های انسانی؛ ایالات متحدهٔ امریکا؛ اتحادیهٔ اروپا؛ سازمان کشور های اسلامی؛ سازمان های مدافع حقوق بشر می خواهد که به محکومیت لفظی این فاجعهٔ بزرگ انسانی و تراژدی قرن بیست و یکم اکتفا نکنند و در جهت فرونشاندن آتش آن و محکومیت و مجازات عاملان آن در سطح مجامع بین المللی اقدام ورزند و مانع تداوم حمام خون بیگناهان در کشور مصر شوند.

جمعیت اسلامی افغانستان ضمن استقبال از محکومیت این جنایت ضد انسانی نظامیان مصر توسط کشور ها و سازمان هایی، حمایت برخی از کشور ها را از این جنایت قابل تأسف و تأثر ملت های مسلمان و آزاده می شمارد.

همچنین جمعیت اسلامی افغانستان با استقبال از موقف جمهوری اسلامی افغانستان در نکوهیدن این عمل ظالمانهٔ کودتاچیان مصر، از آن می خواهد در انسجام و همسویی با ارادهٔ ملت مسلمان افغانستان این جنایت را با صراحت بیشتر محکوم کند و در اعتراض به آن روابط دیپلوماتیک خویش را با حکومت کودتایی مصر به حالت تعلیق درآورد و سفیر افغانستان از آن کشور را فرا خواند و در سطح بین المللی در محکومیت این جنایت ضد بشری اقداماتی شایسته نماید.

از خداوند تعالی برای ملت بزرگ مصر در این آزمون صبر و پیروزی می خواهیم و معتقدیم که ارادهٔ ملت ها پیوسته بر ارادهٔ ظالمان و استبدادگران پیروز بوده است.

وسیعلم الذین ظلموا أی منقلب ینقلبون.

جمعیت اسلامی افغانستان
کابل– افغانستان
دوشنبه ۲۸ اسد ۱۳۹۲ / ۱۹ آگست ۲۰۱۳

به بهانه یی روز جهانی جوانان:

جوانان فرصت و ظرفیت هستند نه مشکل و بار دوش!

نوشتهٔ عنایت

دوازدهم آگست برابر بود با روز جهانی جوانان. از روز بین المللی جوانان همه ساله در سراسر جهان به ویژه افغانستان تجلیل شد. ولایت هایی کابل، بدخشان، تخار، قندز، مزار شریف و هرات شاهد بزرگداشت از این روز بود.

این تجلیل و تکریم در حالی انجام می شود که بر بنیاد یک گزارش سازمان ملل ۷۵ میلیون جوان در سراسر جهان بیکار ا ند که یک بخش آن را بیکاران کشور ما تشکیل می دهند. در روز جهانی جوانان به جایی این که از فرصت ها و پیشرفت ها و تحولات کیفی در زندگی نسل جوان حرف هایی باشد، جوانان بیشتر از چالش ها و مشکلاتی حرف زدند که طی سال هایی متمادی دامنگیر آنان است.

تنها مقامات دولتی به ویژه وزارت اطلاعات و فرهنگ از دست آوردها و ایجاد فرصت هایی شغلی و تحصیلی برای جوانان در این روز یاد آور شد. مقامات در وزارت اطلاعات و فرهنگ گفته اند که با وزارت تحصیلات عالی پیرامون راه یابی جوانان به تحصیلات عالی گفتگو مؤثری انجام داده و در این راستا یک سلسله اقداماتی را طی سال های گذشته در همکاری مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی به ثمر رسانده است.



چالش هایی عمده از دید جوانان

در تجلیل از روز جهانی جوانان قدرالدین غلامی یکتن از جوانان فعال در بدخشان در تماس تلفنی گفت: عمده ترین مشکلات ما جوانان عدم کاریابی، نبود امکانات و فرصت های لازم تحصیلی، حضور باندهای مافیایی در بدخشان، روی آوردن جوانان به مواد مخدر و یکجا شدن جوانان به این باندها می باشد. جوان دیگری به نام فروغ قدوسی از تخار گفت: از اینکه به جوانان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی فرصت داده نمی شود، جوانان در اثر یاس و نا امیدی به راه هایی غلط می روند. او می گوید طی ۱۱ سال گذشته هیچ نوع کار بنیادی و آینده ساز برای جوانان در تخار صورت نگرفته است.

در همین حال محمود صافی معاون ریاست اتحادیهٔ جوانان در همایش جوانان گفت: جوانان امید و سازندگان جامعه اند، سالم نگهداشتن آن ها سالم نگهداشتن جامعه و تحقیر کردن آنان تحقیر جامعه است. وی افزود از این روز در حالی تجلیل صورت می گیرد که جوانان کشور به خصوص جوانان تحصیل کرده با مشکلات جدی رو به رو هستند.

او در ادامه افزود: ما در شرایطی این روز را تجلیل می کنیم که همه ساله بیشتر از ۵۰ درصد متقاضیان ادامهٔ تحصیل از تحصیل باز می مانند، هنوز ما با نبود مواد درسی مواجه هستیم، هنوز در حدود ۹۰ درصد محصلین کشور ما به کمپیوتر و انترنت دسترسی ندارند و دولت مسؤولیت دارد حتی آن جوانانی را که در آخرین نقطهٔ افغانستان زندگی می کنند، به مشکلات شان رسیدگی نماید.

روی هم رفته جوانان بیش از نیمی جمعیت کل جهان را تشکیل می دهند، اما اغلب به جای فرصت سازی و استفاده از ظرفیت های خوابیدهٔ این نیروی عظیم انسانی، جوانان در نزد صاحبان زر و زور به عنوان هرم هایی مشکل آفرین تلقی می شوند. این دیدگاه از آن جا ناشی می شود که اربابان قدرت و ثروت از جوانان بیم دارند، تا مبادا امکانات و فرصت ها را از آنان بربایند.

سنت تاریخی بر این است که همواره از دل توده ها و مستضعفان همین جوانان برخاسته اند و تحول را در عرصهٔ قدرت و ثروت ایجاد نمودند.

تابوهایی انحصاری با دستان پرتوان همین جانان درهم کوبیده شده است.. تاریخ انبیای الهی، تحولات اجتماعی، به اشکال مختلف نشان می دهد که همین جوانان با نیروی خلاق شان پیشتاز و پیشروی زمینه هایی تحول بودند. پس باید این فکر غلط را که جوانان مشکل ایجاد می کنند تغییر یابد و برای آنان فرصت داده شود تا در هر گونه تحول نقش اساسی و محوری را از طریق خواسته هایی طبیعی، مشروع و مدنی شان داشته باشند.

بهترین و مهمترین راه ها برای مشارکت جوانان این است که آنان وارد سکتور تعلیم، اقتصاد و سیاست شوند و از این طریق با مصرف انرژی دماغی برای وطن و مردم خود مصدر خدمت گردند.

توانمند سازی اقتصادی: مغزجوان می تواند در تحول و توانمند سازی اقتصادی مؤثر واقع شود. در صورتی که اقتصاد مملکت مبتنی بر اقتصاد سیاه نباشد، جوانان از طریق کار آفرینی و ایجاد مشاغل می توانند تحول کیفی در رشد اقتصادی مملکت به بار آورند. این کار زمانی صورت می گیرد که پتانسیل و ظرفیت هایی آنان از طریق حکومت ها و نهاد هایی ذیربط پرورش داده شود.

مشارکت سیاسی: خوب است که حاکمیت ها فرصت ها را مساعد سازد تا جوانان رویکرد به فعالیت هایی سیاسی داشته باشند. بر علاوه حاکمیت ها احزاب سیاسی در کشور باید شرایط را برای فعالیت جوانان مهیا سازد. جوانان با حضور درساختار ها و تشکیلات سازمان هایی سیاسی باید حضور پر رنگ داشته باشند و برای رهبری سیاسی کشور آهسته آهسته گام به گام خود را آماده سازند.

آموزش: تحصیل یکی از حقوق اساسی هر جوان است. این حق از دورهٔ کودکی در محیط خانواده آغاز می شود و آهسته آهسته به مرحلهٔ تکامل با حمایت سازمان سیاسی به نام (دولت) رشد و نمو می یابد. حکومت ها مکلف هستند که زمینه های آموزش و پرورش را برای نسل جوان این کشور در مقاطع مختلف آماده سازد. زیرا آموزش و با سواد شدن فرصتی ست که جوان را توانمند می سازد و از این طریق می تواند عنصر مفید به جامعه تقدیم شود. متأسفانه که ۵۰ درصد جوان افغانستان در شرایط فعلی از نعمت سواد و دانش محروم اند و به میزان بی سوادان و یا کم سوادن با گذشت هر سال اضافه می شود. عدم استخدام کادر های جوان در سکتور تحصیلی، نبود مکاتب دربرخی از مناطق، نا امنی ها، فاشیزم تحصیلی، فقر و محرومیت و ندانستن اهمیت تحصیل نزد عده یی از عواملی اند که نسل جوان افغانستان را از نعمت سواد محروم ساخته و در نهایت به جایی فرصت به بار دوش تبدیل شده اند.

فرو رفتن مصر در یک بحران عمیق سیاسی

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

امروز در مصر نمایش قدرت از سوی ارتش این کشور جریان دارد. این درامه به حدی مضحک است که طرفداران کودتای مصر را به ستوه آورده و این حرکت، بر ضد مردمان ملکی را لکهٔ ننگین بر جبین دموکراسی می خوانند. غرب از وجود یک بحران در مصر خبر می دهد و خواهان پایان یافتن بحران در این کشور گردیده اند. امریکا هیچگاه کودتای نظامی در این کشور را نه پذیرفت، زیرا در موجودیت کودتا کمک های امریکا که سالانه به ۳،۱ میلیارد دالر در سال می گردد، به حالت تعلیق در می آمد. نتیجهٔ تحصن اخوان المسلمین در شهر های قاهره و سایر شهر های این کشور، خون، آتش و زندان بود. بیشتر از یک هزار کشته و هزار ها زخمی لکهٔ ننگ بر جبین بشریت آزاد و حامیان دموکراسی در جهان است.

از تاریخ ۱۴ سرطان بدینسو که حکومت منتخب محمد مرسی از سوی ارتش و پولیس مصر سرنگون گردید، از آن تاریخ تا کنون، کشتار، حبس و زنجیر در مصر وجود دارد. آنچه در مصر می گذرد، یکنوع تخطی آشکار در برابر انسان و حق حیات می باشد. در قتل های دسته جمعی در کشور مصر، بدون شک چهره های کریهه؛ چون: عبدالفتاح السیسی وزیر دفاع، عدلی منصور رئیس جمهور موقت، حازم بیلاوی نخست وزیر، محمد ابراهیم وزیر داخله دخیل می باشد و همه روزه از سوی وزیر دفاع، داخله و نخست وزیر این کشور قتل ها، تمجید می شود. قتل های آخیر در مصر یک جنایت علیه بشریت است: زیرا این قتل ها مردمان ملکی را نشانه گرفته شده اند. بسیاری از اشخاصی که در داخل خیمه ها به حالت مسالمت آمیز، تحصن نموده اند، در نتیجهٔ آتش گرفتن این خیمه ها، آنها زنده سوختانده شدند. این امید وجود دارد که روزی تازیانه های عذاب بر سر کودتاچیان فرود آید.

بعد از کشتار های دسته جمعی مردمان ملکی مصر از سوی، ارتش و پولیس میلیون ها انسان به روز جمعه ۱۶ آگست به خیابان ها ریختند و این روز را، به نام جمعهٔ خشم نامگذاری نمودند. محمد بدیع از رهبران سخت کوش اخوان المسلمین که در مکانی نامعلومی بسر می برد، مردم را به مبارزهٔ مسالمت آمیز در برابر کودتاچیان فرا خواند. اما طی روز های آخیر محمد بدیع، در حالی که پسر ۳۸ ساله اش در این حوادث آخیر به قتل رسیده بود، دستگیر و در حبس به سر می برد. اما بر خلاف آوازه های وجود دارد که حسنی مبارک رئیس اسبق مصر، به زودی از زندان آزاد خواهد گردید. محمد بدیع جنایت ارتش مصر را به قتل عام هلاکو تشبیه کرد، در صورتی که ظروف و شرایط هلاکو با قرن ۲۱ قابل مقایسه نمی باشد.

رهبران اخوان المسلمین به این باور اند که رهبران نظامی، کشور مصر را به سوی یک جنگ داخلی سوق می دهند. در میان کشور های اسلامی، لحن کشور ترکیه از همه تند تر بود و حوادث در مصر را مایهٔ شرمساری کشور های اسلامی خواند. نشست فوق العادهٔ اتحادیه اروپا پیرامون اوضاع آشفتهٔ مصر حکایه از یک بحران عمیق در این کشور دارد. این اتحادیه اوضاع مصر را یاس آور و تاریک توصیف نمود. وزیر خارجه بریتانیا اوضاع جاری در خاور میانه را استمرار حوادث خونین در قرن بیست و یک دانست. و این احتمال وجود دارد که این آشوب و بحران نه تنها ماه ها؛ بلکه سال ها ادامه یابد. تحریم های تسلیحاتی کشور های امریکایی و اروپایی برای حکومت موقت مصر سرزبان ها افتاده است، رهبران این کشور ها گفته اند، در صورتی که حکومت موقت نتواند اوضاع را آرام نماید و مخالفان خود را راضی نگهدارد این تحریم ها بالای این کشور ص۷

طالبان، مشکل درهم پیچیده در دوسوی دیورند





راوی

آیا پاکستان خواهان صلح میان حکومت افغانستان و طالبان است؟ اصولاً ارزیابی پاکستان از تامین صلح در افغانستان چیست؟ آیا واقعاً همانگونه که دولت مردان افغانستان می گویند، صلح در افغانستان به نفع پاکستان نیز خواهد بود؟ وقتی می گوئیم که پاکستان بصورت صادقانه در تامین صلح در افغانستان کمک نمی کند، باید اندیشید که این کشور چه منافعی را در جنگ افغانستان دنبال می کنند؟ آیا نا امنی های گسترده در پاکستان که اقتصاد این کشور را در ورطهٔ ورشکستگی قرار داده، آنگونه که بعضی از تحلیلگران ما عنوان می کنند، همه نقشه ای از جانب فوج این کشور و آی اس آی است؟ اگر چنین باشد پس فوج پاکستان می خواهد این کشور را نابود سازد!! چه تحلیل عجیبی!!

مشکل بزرگ در میان سیاستمداران ما اینست که همه در تحلیل های شان می خواهند مسایل پیچیده را برای عام فهم شدن چنان ساده بسازند که کاملاً از محتوی خالی گردد. باوری که در نتیجهٔ چنین تحلیل ها ایجاد می شود، به این خوش باوری می انجامد که پاکستان در حال تجزیه شدن است و پاکستان چاره ای جز تسلیم شدن ندارد. امریکا به پاکستان حمله خواهد کرد و بمب اتومی این کشور را نابود خواهد نمود...

چنین تحلیل ها از جانب کارشناسان محترم سیاسی فاقد این بررسی دقیق کارشناسانه است که طالبان پاکستان و افغان با هم چه رابطه ای دارند و میزان تاثیرگذاری استخبارات نظامی پاکستان بر آنها با چه محدودیت هائی مواجه است. چرا کسانی چون خالد خواجه و کرنیل امام که سال ها در پروژهٔ طالبان دخیل شمرده می شدند، بدست طالبان کشته می شوند؟ برای تحت کنترول نشان دادن طالبان در دوسوی دیورند، حتی نقش طالبان پاکستان در انتخابات اخیر این کشور نادیده گرفته می شود. در بعضی موارد رسانه ها بجای از اینکه در روشن ساختن اذهان نقش داشته باشند، در انحراف اذهان و مهندسی باورها مطابق به خواست یک جهت خاص به ایفای نقش می پردازند.

انتخابات اخیر در پاکستان در زیر سایهٔ وحشتی انجام شد که طالبان این کشور ایجاد کرده بودند. احزابی که در دوران حکومت حزب مردم با طالبان شعار جنگ و دشمنی سر داده بودند، شکست خوردند. آنها حتی این فرصت را بدست نیاوردند تا اجتماعات انتخاباتی تشکیل دهند و در بارهٔ برنامه های کاری خود در صورت برنده شدن با مردم سخن بگویند. در سند و صوبهٔ خیبر پشتونخواه این فشار طالبان بخوبی محسوس بود.

حزب مسلم لیگ (ن) برهبری نوازشریف و حزب تحریک انصاف برهبری عمران خان وعده دادند تا در صورت بقدرت رسیدن، با طالبان پاکستانی به مذاکره خواهند پرداخت و مشکل ناامنی ها را از طریق مذاکره حل خواهند کرد. این دو حزب در ضمن این وعده را نیز داده بودند که در صورت بقدرت رسیدن، مانع از حملات طیارات بی سرنشین امریکا به مناطق قبایلی خواهند شد.

به همین دلیل این دو حزب با نظر مساعد از جانب تحریک طالبان پاکستان مواجه شده و برندهٔ انتخابات گردیدند.

قبلاً نیز طالبان پاکستانی خواست مشابه را از حکومت قبلی پاکستان داشتند و گفته بودند که این کار می تواند با وساطت رهبران احزاب مذهبی پاکستان انجام یابد اما این کار بعد کشته شدن ولی الرحمان معاون تحریک طالبان پاکستان در ماه می در اثر حملهٔ طیاره بی پیلوت امریکا به تعویق افتاد.

با بقدرت رسیدن حکومت جدید انتظار این بود که حملات طالبان کاهش یابد و زمینه برای مذاکرات آماده گردد اما با ادامهٔ حملات طیارات امریکائی از یک طرف و ناتوانی حکومت پاکستان از مقابله در برابر آن حملات، فعالیت های رزمی طالبان وسعت گرفت و حتی کار به جائی رسید که آنها با لشکر کشی به دیرهٔ اسماعیل خان و گشودن در زندان یکی از مستحکم ترین زندان های پاکستان در این ضلع، بیش از دوصد تن از یاران خود را آزاد کردند. جنگ و کشتار همچنان ادامه یافت و حمله به نیروهای پولیس و ارتش فزونی گرفت. طالبان پاکستانی حکومت جدید را به خاموشی در برابر حملات امریکا متهم می نماید.

نوازشریف که در جریان مبارزات انتخاباتی به مردم پاکستان وعدهٔ صلح و امنیت و پیشرفت داده بود، تاکنون در تحقق وعده های خویش ناکام بوده است. دلیل این امر را می توان ناشی از ناتوانی حکومت ملکی در برابر اردوی قدرتمند این کشور دانست. اردوی پاکستان نمی خواهد چنین وانمود سازد که در برابر شورش داخلی ناکام بوده است.

اخیراً بار دیگر تمایلی از جانب طالبان پاکستان برای مذاکره با حکومت مرکزی به مشاهده رسیده است؛ شاهد الله سخنگوی تحریک طالبان پاکستان بار دیگر برای مذاکرات صلح با حکومت پاکستان ابراز آماده گی نموده است. این بار نیز تحریک طالبان پاکستان خواهان وساطت مولانا فضل الرحمن و منور حسن در این مذاکرات شده است.

مولانا جلیل جان سخنگوی جمیعت العلمای اسلام برهبر مولانا فضل الرحمن، مذاکرات به منظور دسترسی به صلح را در پاکستان یک ضرورت مهم دانسته و گفته است که « در افغانستان نیز برای مذاکرات میان دولت و طالبان افغان راه هموار گردیده است، امریکا همچنان می خواهد با طالبان افغان مذاکره نماید و برای طالبان در قطر دفتر باز کرده است. اگر در پاکستان نیز مذاکرات صورت بگیرد در کل مفید و به نفع تمام منطقه خواهد بود.»

اما در شرایطی که یکبار دیگر تمایل به مذاکره از جانب طالبان پاکستانی با حکومت نوازشریف ابراز می شود، حکومت بار دیگر سلسلهٔ اعدام ها را از سر می گیرد. قرار است بعد از پنج سال وقفه، بار دیگر مجرمین خطرناک به مجازات مرگ مواجه گردند. وزارت عدلیهٔ پاکستان اعلام داشته که بزودی ص۶

حماس د اسلامي امت روح او له مقدساتو څخه يې دفاع کوونکې غورځنګ دی

ن شفيق

فلسطين د هغه هيواد نوم دی چې د مسلمانانو لومړنۍ قبله (اقصي تاريخي جومات) پکې واقع دی او بيت المقدس يې پلازمينه ده؛ دغه سيمه چې د زماني په مختلفو پيرونو کې پکې وخت په وخت انبياء عليهم السلام د خپلو قومونو اصلاح او د الله جل جلاله پرستش لوري ته د بلنې لپاره مبعوث شوي دي، له همدې امله ورته د انبياؤ ټاټوبی هم وايي. له بل پلوه د لومړنۍ قبلې په لرلو سره هم، د مسلمانانو په زړونو کې د ځانګړي قداست او ارزښت لرونکې خاوره ده چې د اسلام دوهم خليفه عمر فاروق رضي الله عنه د خلافت په موده کې د عمرو بن العاص رضی الله عنه په قيادت کې فتح او د جابيه سيمې ته د وخت د خليفه په ورتګ سره ددې سيمې خلکو د اسلام حاکميت ومانه. چې بيا د يوولسمې ميلادي پيړۍ په وروستي کال د يهودانو لخوا صليبي لښکرې دغې خاورې ته ورننوتلې او د اويا زرو مسلمانانو وينې يې توی کړې، په دوهم ځل بيا د صلاح الدين ايوبي په نوم يو کردي مسلمان قايد ورڅخه بيرته ازاده کړه؛ په ۶۵۶ هجري قمري کال کې د مغلو په لاس پرېوته او له هغوی څخه بيا (ظاهر بيبرس) او (مظفر قطز) ازاده کړه. مګر کله چې په شپاړسمه ميلادي پيړۍ کې مسلمانان يو ځل بيا د غفلت په درانه خوب ويده شواو لويديځې نړۍ د علماو پرمختګ کيلي ګانې په لاس کې واخيستې نو يهودانو يو ځل بيا د خپل نوي دولت جوړولو فکر راژوندي کړ او په (۱۸۹۷) ميلادي کال کې يې د (پال) په کنفرانس کې پريکړه وکړه چې د فلسطين خاوره به خپل هيواد ګرځوي.

ددې شومې موخې د تحقق لپاره يې د نړۍ له ګوټ ګوټ څخه د فلسطين خاورې ته د يهودانو د کوچيدلو پروګرام او له بلې خوا د نړيوالو قوانينو جوړولو له لارې يې ددې کار لپاره زمينه برابرول پيل کړل، چې هغه مهال بيا په شلمه پيړۍ کې له يوې خوا په روسيه کې بلشويکي انقلابيانو (چې د المان څخه روسيې ته راغللې وو او په ۲۲۴ کسانو کې يې ۱۷۰ تنه او هم يې په ۲۲ نفري کابينه کې اوه لس تنه يهودان وو) له ټولو د مخه د يهودانو فلسطيني ځمکو ته د کوچيدلو لړۍ پيل کړه او ورڅخه درې کلونه د مخه (په ۱۹۱۴ ميلادي کال کې) په سيمه کې د هغې نړيوالې جګړې د پيل لامله چې عامل يې قوم پالني وې، د مصطفي کمال اتاترک او ځينو نورو تاريخ ملعونو څيرو په مټ د اسلامي امت وارث خلافت (عثماني خلافت) ديوالونو لړزولو او ړنګولو هم زور اخيستي وو.

نو د انګليسي ښکيلاک لخوا دغه سيمې اشغال شوې او د قيموميت لاندې يې راغلې؛ په (۱۹۱۸) کال د انګلستان د بهرنيو چارو وزير (بالفور) له يهودانو سره په رسمي توګه خپله مرسته اعلان کړه او بيا (۱۹۴۲) کال د يهودانو لخوا بيت المقدس اشغال شو؛ له هغه وخته را پديخوا د ملګرو ملتونو په سازمان کې د لسو ځلو څخه زيات ځلې امريکا د دغه سازمان د امنيت په شورا کې تل هغه پريکړه ويټو کړې چې د فلسطين د مسلمان ولس په خواخوږي او پلوي توب شوي ده.

نږدې دوه نيم کلونه وړاندې چې کله په عربي خاوره کې د ظالمو او ديکتاتورو واکمنانو پر خلاف عربي پسرلی پيل شو نو مصر له تونس وروسته دوهم هغه هيواد وو چې د اسلامپالو واکمنې پکې رامينځته شوه او ديارلس مياشتې وړاندې چې کله د (الاخوان المسلمون)ګوند د پنځه اتيا کلنې مبارزې وروسته د لومړي ځل لپاره واک ته ورسيد او مرسي د مصر د ولسواک رژيم لومړنی ولسمشر و ټاکل شو او هغه په خپل يو کلن حکومت کې د اسلامي امت د قضاياؤ د حل په نيت ځينې کوټلي ګامونه واخيستل؛ چې ورڅخه يو هم د سعودی عربستان او ايران دوه وو خپلو کې رقيبونو هيوادونو ته د نوموړي سفر وو څو اسلامي امت کې د موجوده اختلاف د له مينځه وړو لپاره بنياد کښيږدي او بل د حماس د قيادت څخه د دفاع روحيه وه، چې د لويديځې نړۍ لخوا دغه مؤمنانه خوځښت ته افراطي او ترهګر خوځښت يا ګوند ويلې کيږي؛ په داسې حال کې چې د فلسطين د تاريخي ربړې رښتينی وارث او د اسلامي امت له مقدساتو څخه په ټينګه دفاع کوونکی يواځې د حماس خوځښت دی چې له اسرائيلو څخه د بيت المقدس په شمول د ټول فلسطين ازادولو هاند لري او د شهيد احمد ياسين د هغې انتفاضې وارثان دي چې په (۱۹۸۷) کال يې دعز الدين القسام شهيد د موخو د تحقق لپاره پيل کړه او په خپل ولس کې د بې ساري محبوبيت لامله يې د شلمې پيړۍ په وروستۍ لسيزه کې ټاکنې هم وګټلې خو د امريکا د شيطاني سياست په مټ د محمود عباس د فتحې ګوند فلسطين په دوو برخو وويشلو او د حماس واکمنې يواځې د غزې او اريحا تر سيمو پورې محدوده شوه. چې که نن اسرائيل د فلسطيني بنديانو د ازادولو تراخه زهر څکي، دا هم د حماس د حماسو او سربښندنو پايلې دي چې له امله يې په دې وروستيو کې اسرائيل د فلسطين قيادت سره د مذاکراتو د پيل لپاره ۱۰۵ تنه بنديان غواړي ازاد کړي او پدې لړ کې شپږويشت تنه د سه شنبې په شپه ازاد او د عباس له مذاکراتي پلاوي سره مذاکرات پيل کړل. خو له بلې خوا يې ددې لپاره چې ښې اړخې اسرائيلي ګوند خوشحاله کړي يو ځل بيا يې د بيت المقدس په ختيځهاو لويديځه برخه کې د دوه وو زرو په شمير کې د نوو اباديو او کورونو جوړولو د پلان اراده څرګنده کړه چې د دکتور محمود الزهار لخوا دغه اراده وغندل شوه او ابو ماذن (محمود عباس) ته يې کرښه راښکله چې د فلسطين د خاورې په سر هيڅ معامله دوی نشې منلای او دا ځکه چې فلسطين د انبياؤ ټاټوبې او بيت المقدس د مسلمانانو لومړنۍ قبله ده؛ د ټولو مسلمانانو سره قداست لري او د سرنوشت ټاکل يې ګډ حق دی.

طالبان، مشکل درهم پیچیده در ...

حکم اعدام در مورد چهار نفری که چند سال قبل به اعدام محکوم شده بودند، به اجرا درآید. دوتن از آنان وابسته به لشکر جهنگوی اند که در کشتن یک داکتر شیعه مذهب دست داشتند. طالبان پاکستان در برابر این تصمیم حکومت عکس العمل نشان داده و آنرا اعلام جنگ علیه خود خوانده اند.

در چنین شرایطی قرار است رئیس جمهور کرزی سفری به پاکستان داشته باشد. وی از قبل مشخص نموده که در این سفر در چهارچوب اجندای معین با مقامات پاکستانی مذاکره خواهد کرد و مسئلهٔ کمک پاکستان به پروسهٔ صلح در صدر این مذاکرات قرار خواهد داشت.

در رابطه با این سفر، این سوال شایان مطرح شدن است که وقتی حکومت پاکستان قادر نیست مشکلات خود را با طالبان خود حل نماید، وقتی حکومت پاکستان قادر نیست از نا امنی ها و کشتار هائی که اقتصاد این کشور را فلج کرده جلو بگیرد، آیا انتظار کابل از اسلام آباد برای وساطت میان طالبان افغان و حکومت افغانستان تا چه حد می تواند عملی باشد؟

طالبان مشکل درهم پیچیده در دو سوی دیورند اند و نمی توان آنانرا از هم جدا کرد. پاکستان بخوبی می داند که اگر طالبان افغان و حکومت افغانستان با هم به توافق برسند، طالبان پاکستانی در موقعیت بهتری از نظر عقبه های حمایتی قرار خواهند گرفت و جنگ در پاکستان شدت خواهد یافت. با توجه به حساسیتی که پاکستان از نقش هند در افغانستان دارد، مقامات نظامی پاکستان به این تصور اند که صلح در افغانستان این فرصت را در اختیار هندوستان قرار خواهد داد تا به کمک طالبان پاکستانی بشتابند و با استفاده از عقدهٔ طالبان علیه پاکستان، این کشور را به مجمری از آتش مبدل سازد.

از جانب دیگر صلح پاکستان با طالبان این کشور در شرایط فعلی به نفع پاکستان نیست زیرا طالبان در موقعیت مناسب تری از نظر نظامی و سیاسی قرار دارند و در صورت برگزاری مذاکرات صلح، آنها خواهان نقش مهمتر و عملی تر دین در سیاست پاکستان خواهند شد. امریکا و متحدین غربی پاکستان هرگز چنین حالتی را نمی خواهند و در نتیجه چنین توافقی، پاکستان از کمک های کشورهای غرب بخصوص امریکا محروم خواهد گردید.

پاکستان نزدیکی میان امریکا و هندوستان را خطری بزرگ برای خود می شمارد و حتی به قیمت گسترش ناامنی ها در داخل پاکستان، نمی خواهد این جنگ به شکلی به پایان برسد که هندوستان در جایگاه برتری در منطقه قرار گیرد. پاکستان به دلیل مشکلات اقتصادی، توان رقابت با هندوستان را در عرصه های اقتصادی وسرمایه گذاری در افغانستان ندارد اما نا امنی و جنگ در افغانستان می تواند در مهار نقش هند در افغانستان ابزاری موثر بشمار آید.

بنابراین دخالت پاکستان در پروسهٔ صلح افغانستان، به نفع افغان ها نیست و درست به همین دلیل بود که رهبری طالبان ترجیح داد تا دفتر طالبان بجای کشورهائی چون ترکیه و سعودی که دستگاه استخبارات نظامی پاکستان از ده ها سال به اینطرف در مسئلهٔ افغانستان با سازمان های استخباراتی این دو کشور کار کرده است، در قطر ایجاد گردد در مقابل حکومت افغانستان همیشه با مطرح ساختن این اتهام که پاکستان در نا امنی های افغانستان نقش دارد، تلاش نا موفقی را براه انداخته تا پاکستان زیر فشار غرب قرار گیرد اما برعکس، پاکستان با استفاده از همین اتهامات که این کشور نقش کلیدی در افغانستان دارد، از کمک ها و امتیازات غرب برخوردار شده است.

بنابراین سفر حامدکرزی به پاکستان مانند سفر های گذشته دست آورد مشخصی نخواهد داشت و اگر حکومت پاکستان حاضر شود حتی ملا برادر را آزاد نماید، می تواند دست آوردی اندک از این سفر باشد اما در نهایت مشکل جنگ در افغانستان حل نخواهد شد زیرا کلید حل این مشکل در اسلام آباد نیست. این مشکل زمانی حل خواهد شد که مذاکرات میان طالبان افغان و امریکا به نتیجه برسد و بدنبال آن، مذاکرات میان افغان ها آغاز گردد.

انتخابات و ائتلاف سازی هایی احزاب...

اما مردم افغانستان در سه دهۀ گذشته بارها شاهد تشکیل ائتلاف های سیاسی و نیز از هم پاشیدن چنین ائتلاف ها پس از مدت کوتاهی بوده اند.آیا تشکیل ائتلاف های کنونی نیز موسمی و زود گذر خواهند بود؟ آیا این ائتلاف ها صرفاً برای صف آرایی ها و یارگیری های انتخاباتی نیست؟ و یا این که این بار سیاستمداران واقعن به خاطر تأمین منافع ملی، وحدت و همبستگی مردم دست به چنین اقدامی می زنند؟. روی هم رفته انتخابات سال آینده از هر لحاظ پر اهمیت است و نباید سیاستمداران کشور به آن از زاویه های کوتاه و زود گذر نگاه کنند. از آن جایی که هیچ گروهی حتی در حد ائتلاف های کم مایه نمی توانند به تنهایی از عهدهٔ این همه مسؤولیت ها بدر آید، فعالان سیاسی باید بدانند که هر طیف و هر گروه نقش خود را می تواند در آیندهٔ مملکت داشته باشد و هیچ جریانی را دست کم نباید گرفت.

افزایش بد رفتاری علیه دست اندرکاران رسانه ها

مصباح شعیب

"نی" ادارهٔ حمایت کننده رسانه های آزاد در افغانستان در بیشتر خشونت ها علیه خبرنگاران افغان در این کشور، مقامات دولتی را دخیل می داند. به گفتهٔ مسؤولان در این اداره، مقامات دولتی در بسیاری از موارد بخاطر کتمان حقایق، خبرنگاران را مورد تهدید و خشونت قرار می دهند.

نی یا ادارهٔ حمایت کنندهٔ رسانه های آزاد هفتهٔ گذشته گفتند که، موارد خشونت علیه خبرنگاران در شش ماه اول سال روان میلادی نسبت به سال گذشته، ۶۵ درصد افزایش یافته است.

صدیق الله توحیدی رئیس اجرائیوی این اداره در روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته۲۲ اسد، در یک نشست خبری در کابل گفته است که اگر به این مشکل رسیده گی نشود، ممکن در زمان انتخابات سال آینده، بیشتر خبرنگاران مورد خشونت قرار گیرند. به گفتهٔ وی: «کسانی که در برابر خبرنگاران مرتکب خشونت شده اند، در بسیاری از موارد افراد شناخته شده اند و بیشترین موارد خشونت در برابر خبرنگاران از جانب منسوبین دولت افغانستان صورت گرفته است که از موظفین خدمات عامه تا به تا سایر مراجع مسؤول در این کار دست داشته اند. دولت شاید بسیار علاقه مند این باشد که اخبارش به نشر نرسد به این دلیل که خبرها و گزارشات که از طریق رسانه های خصوصی و آزاد به نشر می رسد بیشتر به مذاق برخی از دولت مردان افغانستان نیست.»

به گفتهٔ ادارهٔ «نی»، از آغاز سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ میلادی، حدود ۳۵۴ مورد خشونت علیه خبرنگاران در افغانستان ثبت شده اند. که از این میان، ۲۵ خبرنگار کشته، ۱۹ تن زخمی، ۲۳ تن ربوده، ۶۴ تن بازداشت، ۱۱۱ تن لت و کوب و ۱۱۱ تن دیگر با تهدیدات روبرو شده اند. در تازه ترین مورد چند تن از خبرنگاران رسانه های خصوصی در کشور از سوی برخی از مقامات حکومتی مورد لت و کوب قرار گرفتند.

ادارهٔ حمایت کنندهٔ رسانه های آزاد در کشور یکی از راه های کاهش خشونت علیه خبرنگاران را تصویب قانون حق دسترسی به اطلاعات می داند. مسؤولان این اداره از وزارت اطلاعات و فرهنگ می خواهد تا در راستای تصویب این قانون بیشتر از پیش تلاش کند.

مسودهٔ قانون حق دسترسی به اطلاعات حدود یک سال قبل از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ تکمیل و برای بازنگری به وزارت عدلیه فرستاده شده است. اینکه این مسوده بعد بازنگری حقوقی به مجلس وزراء و بعداً جهت تصویب به پارلمان کشور و توشیح می رود، زمانگیر است.

در یازده سال اخیر، رسانه ها در کشور از ناحیهٔ کمیت در تاریخ کشورما بی سابقه بوده است. ده ها تلویزیون و رادیو، صدها نشریهٔ چاپی، قوهٔ چهارم را پرقوت تر ساخته است، گرچه در کیفیت برخی این نشریه ها ضعف های وجود دارد.

گاهگاهی چالش های هم سر راه رسانه قامت بر می افرازد، گردانندگان رسانه ها از سوی آنانی که برنامهٔ نشر شده به افشاگری و ضرر شان تمام شود، تهدید می شوند، مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، و در مواردی هم به از دست دادن جان شان تمام می شود.

گرچه در مادهٔ سی و چهارم قانون اساسی، صریحاً آمده است که، «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایهٔ قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.» اما برخی رسانه ها به نبض زمان عمل می نمایند، که این عمل، خواهی نخواهی یک نوع خودسانسوری را بالای گردانندگان ها حاکم می سازد.

بر اهل رسانه هاست تا آنچه بدست نشر می سپارند با درنظرداشت منافع ملی، برای وصل شدن و یکپارچگی ملت بزرگ افغانستان باشد. از نشر مطالب و موضوعات نفاق افگنانه باید جداً پرهیز کرد، زیرا ملت های یکپارچه و متحد اند که به قله های ترقی و تعالی راه می یابند. از نشرات گمراه کننده و مخالف ارزش های دینی و میهنی اجتناب شود، رسانه ها ارزشگرا و مسؤولیت پذیر باشند و بدور از وابستگی، قانونی عمل نمایند. به منظور نظام سالم رسانه ای در کشور، دولت مسؤولیت دارد تا رسانه ها را زیر نظارت و بررسی داشته، قانون را تطبیق نماید. اما جلو بد رفتاری های غیر قانونی را علیه خبرنگاران بگیرد تا صداهای حق طلبانه در گلو ها خفه نشود.

امسال جشن استقلال کمرنگ بود

تکساری

از استرداد و استقلال افغانستان ۹۴ سال می گذرد. در طی این سده ها، حاکمیت های گوناگون تجلیل از روز استقلال را برای خود یک مسؤولیت می دانستند. تجلیل از جشن استقلال در افغانستان به یک عنعنهٔ ملی تبدیل گردیده بود. در سال های اخیر، به ویژه پس از حاکمیت طالبان، روز استقلال افغانستان و تجلیل از آن به فروپاشی سپرده شده است. در زمان حاکمیت حزب خلق و پرچم، از روز استقلال فقط یک نام برده می شد و تمام افتخارات آن منحصر به روز منحوس و نا میمون ۷ ثور بود که تا زمان مرگ این حاکمیت، هفت ثور تجلیل می گردید. پسران و دختران کشور را به جاده ها می کشاندند تا راهپیمایی کنند و رهبران این حاکمیت به خود می بالیدند که مردم؛ به ویژه جوانان از آنها حمایت و پشتیبانی می نمایند. خوب به یاد دارم که محمد ظاهر شاه فقط در روز استقلال چند کلمهٔ کلیشه یی ایراد می کرد و مردم را رعایا خطاب می کرد و از رهبران استقلال فقط از محمد نادرخان، شاه ولی خان و چند تن دیگر نام برده می شد و بس.

در پیام حامد کرزی در ارتباط به جشن استقلال از کشور بریتانیا نام برده نه شد و جز چند شعار در این پیام چیز دیگری وجود نداشت. بسیاری به این باور اند که پس از حکومت طالبان به روز های ملی کمتر ارزش داده می شود و یکنوع بی تفاوتی در برابر تجلیل از این روز وجود دارد و یکنوع بی تفاوتی آگاهانه در برابر ارزش های ملی، و روز های ملی در کشور در حال شکل گرفتن است. در روز ۲۸ اسد امسال به صورت اتفاقی از کنار پارلمان کشور گذشتم، در برابر پارلمان و جاده های عمومی پایتخت، هیچ گونه بیرق و شعار که بیانگر احترام به این روز تاریخی بوده باشد، وجود نداشت. جای دارد، کسانی که در راه استقلال و آزادی جان باخته اند، از آنها به احترام یاد آوری گردد. تجلیل از روز های ملی از وظایف حکومت شمرده می شود جنگ های سه دهۀ اخیر، جدایی های قومی بدون شک برای وحدت ملی چیزی باقی نمی گذارد و این روز های مناسبتی و ملی، می تواند بر روحیهٔ وحدت ملی تاثیر گذار باشد؛ زیرا هر قوم و قبیله و هر حزب سیاسی خود را به این روز مربوط می داند و به آن احترام می گذارند.

تجلیل از روز های ملی، در حقیقت بازگشت به گذشتهٔ تاریخی سرزمین ماست. فلسفهٔ تاریخ حکم می کند که رویداد های مهم و سازنده در اذهان محفوظ باشد. در فلسفهٔ تاریخ گفته شده است، که آینده به گذشته پیوند دارد و آینده با عبرت پذیری گذشته شکل می گیرد. ما باید گذشته تاریخی خود را درست بشناسیم، تا بر پایه های آن آینده را بسازیم.

امروز کسانی که از برکت دشمنان دیروز افغانستان از کوخ به کاخ رسیدند و صاحب، سرمایه و زنده گی اشرافیت گردیدند، جایز نمی دانند نام کشور استعماری را که افغانستان استقلال خود را از آن بدست آورده است، بگیرند. آنچه که در افغانستان طی سال های آخیر کم رنگ می باشد، همان واژهٔ استقلال و خود ارادیت است. اما بر خلاف واژهٔ دموکراسی، انتخابات، حقوق بشر، حقوق زن و غیره که دست آورد های ولی نعمتان شان است، به طور نمایشی به کار برده می شود؛ زیرا درین واژه ها پول، سرمایه و ثروت نهفته است.

امروز نظر به شرایط دشوار و از سر ناگزیری اصرار می ورزیم که پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا به امضاء برسد، تا در سایهٔ آن حد اقل بتوانیم زنده گی نماییم، و این ذلت بار ترین اندیشه است، که ما به وسیلهٔ نیرو های خارجی نجات خود و کشورخود را می خواهیم، ورنه هیچ کشوری نیست که موجودیت نیرو های خارجی و سلطهٔ سیاسی و حقوقی آنها را بپذیرد. این ذلت بار ترین شرایط زنده گی برای مردم افغانستان است، هر قدر نیرو های خارجی در کشور ما باقی بماند، به همان تناسب، روحیهٔ ملی در میان رهبران و مسؤولان ما ضعیف خواهد گردید. به امید روزی که کشور به وسیلهٔ مردم افغانستان، اداره، رهبری و حفاظت گردد و یکبار دیگر واژهٔ استقلال و آزادی برای خود در روند زنده گی انسان های این سر زمین جا باز کند.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

فیض

۲۵ اسد:

• جنرال عبدالحمید قوماندان قول اردوی ۲۰۵ اتل به رسانه ها گفته است که در حملهٔ انتحاری در جوار میدان هوایی کندهار (شاهراه کندهار- سپین بولدک) توسط یک مهاجم پیاده، صورت گرفت. هشت سرباز خارجی، چهار عسکر اردوی ملی و سه نفر مُلکی جراحت برداشته است. حمله کننده زمانی خود را منفجر ساخت که یک موتر آیساف در کنار سرک واژگون شده و نیروهای مشترک در اطراف آن جمع شده بودند

• به گفتهٔ مقامات امنیتی، بمب چسپی در موتر یکتن از تاجران ملی کشور به نام عزت الله کارگزاری شده بود، در منطقهٔ سینما پامیر شهر کابل انفجار کرد که تلفات جانی به همراه نداشته اما به مغازه داران نزدیک به محل رویداد خسارات مالی وارد کرده اند.

۲۶ اسد:

• به گفتهٔ سخنگوی فرماندهی ولایت هرات به رسانه ها، سه تن از مخالفان مسلح که قصد داشتند حمله هایی انفجاری در این ولایت را انجام دهند؛ از سوی پولیس دستگیر شدند. از نزد این افراد مقداری مهمات، مواد انفجاری و یک عراده موتر سایکل سه چرخ نیز به دست آمده است که مواد انفجاری همراه خود را داخل یک سه چرخ در میان کاه جابجا کرده بودند.

• پلیس هرات به رسان ه ها گفته است، ۹ کارگر یک شرکت راه سازی در ولسوالی کرخ کشته اند. سخنگوی پلیس هرات گفته است، شورشیان این کارگران را در پی شکستی که در درگیری با نیروهای پلیس متحمل شدند، به قتل رساندند. "تعدادی از مخالفان مسلح به یک پستهٔ امنیتی در کرخ حمله کردند، اما با مقاومت نیروهای امنیتی رو به رو شدند. در جریان درگیری دشمن ضربات سنگینی متحمل شدند؛ یک سرباز پلیس ملی به شهادت رسید و یک سرباز دیگر زخمی شد".

۲۷ اسد:

• بر اثر انفجار یک ماین در ولسوالی جغتوی غزنی، ۵ سرباز پولیس کشته و زخمی شدند. این رویداد زمانی به وقوع پیوست که این موتر، در حال گشت زنی در این منطقه بود. به گفتهٔ ولسوال جغتوی غزنی به رسانه ها، یک رنجر در منطقه "قیاق" ولسوالی، با یک ماین کنار جاده ای برخورد کرده و منهدم شد که ۲ سرباز پولیس کشته و سه تن دیگرشان به شدت مجروح شدند.

• اخیراً نا امنی ها در مسیر شاهراه کابل- قندهار به شدت افزایش یافته و همین امر، والیان ولایات جنوبی را به شدت نگران کرده است. نشست مشترک مقامات چهار ولایت جنوب کشور به منظور تامین امنیت شاهراه کابل- قندهار در میدان وردک برگزار شد.و به منظور بررسی و پایان بخشیدن به تهدیدات امنیتی و تامین امنیت در مسیر شاهراه کابل- قندهار در ولایت میدان وردک تدویر یافت. و روی برون رفت آن صحبت نمودند.

• مسوولان پولیس محافظت عامه در غرب افغانستان از کشته و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ تن از طالبان و نیروهای دولتی در ولایت فراه خبر داده اند. این درگیری، در ولسوالی بکواه ولایت فراه رخ داده است. فرید فراهی، فرماندهٔ تامین امنیت کاروان های اکمالاتی نیروهای خارجی در غرب کشور به رسانه ها گفته است، این درگیری پس از آن آغاز یافت که صدها طالب مسلح، به این نیروها حمله کردند. به گفتهٔ وی؛ در این زد و خورد، ۷۰ تن از طالبان مسلح کشته و شمار زیادی از آنان زخمی شده اند که آمار دقیقی از آنان در دست نیست.

۲۸ اسد:

• سرمعلم عظیم نایل مدیر معارف ولسوالی چپرهار، توسط افراد مسلح ناشناس کشته شده است. به گفته رسانه ها، نایل به طرف شهر جلال آباد روان بود که در منطقهٔ حافظان این ولسوالی، توسط افراد مسلح از موتر پائین و بعداً با ضرب گلوله به قتل رسیده است.

• به گزارش رسانه ها، طالبان در ایام عید، هشت تن از منسوبین دولتی را در مسیر راه مقر ربوده بودند که شامل آنها مدیر امنیت یکی از ولسوالی های زابل و دادستان استیناف این ولایت نیز بود. مخالفین هفت از این افراد در همان روزهای اول کشتند؛ اما از سرنوشت محمداسماعیل، دادستان استیناف ولایت زابل خبری در دست نبود. سخنگوی والی غزنی در صحبتی با رسانه ها گفته است که جسد محمد اسماعیل از منطقه "لرم" ولسوالی مقر این ولایت به دست آمده است.

• در نتیجه برخورد یک موشک به میدان هوایی شیندند ولایت هرات، دو تن کارگران یک شرکت خصوصی کشته و هشت تن دیگر زخمی شدند. مقام های امنیتی در ولایت هرات گفته اند که یک موشک از یک منطقهٔ نامعلوم به طرف میدان هوایی شیندند برخورد کرد.

۲۹ اسد:

• عملیات تصفیه ای مشترک نیروهای افغان که از ۲۵ ماه اسد در ولایت قندوز راه اندازی شده بود؛ امروز به پایان رسید. به گزارش رسانه ها، در این عملیات که نیروهای ارتش، امنیت ملی و پولیس ملی و محلی اشتراک داشتند؛ سه روستای، عیساخیل، حاجی امان الله، و وردک ها از وجود طالبان پاک سازی شد. به گفتهٔ سخنگوی پولیس قندوز ، هم اکنون در این مناطق پاسگاه های مجهز و دایمی ایجاد شده و در این قرارگاه ها، نیروهای امنیتی زیادی جابه جا شده اند.

• در اثر یک حمله انتحاری در مرکز ولایت لوگر چهار نفر کشته و هشت نفر دیگر زخم برداشتند. به گفتهٔ رسانه ها، در میان کشته شدگان یک فرماندهٔ پولیس محلی و یک سرباز پولیس ملی شامل است.

• دو خارجی - تبعهٔ کشور کانادا و دیگری احتمالا تبعهٔ پاکستان یا بنگلادیش - در حالی که از بند امیر پارک ملی بسوی مرکز بامیان در حرکت بودند؛ در مسیر راه از طرف افراد مسلح ناشناس متوقف و ربوده شدند. به گفتهٔ فرماندهٔ پولیس ولایت بامیان با رسانه ها، این خارجی ها، به منطقه نامعلومی انتقال یافته اند. یکی از موترهای آنان آتش زده شده؛ اما دیگری فعلا در اختیار پولیس قرار دارد.

فرو رفتن مصر در یک بحران عمیق...

عملی خواهد بود. کشوری دیگری که در یک زمان نزدیک به هم شاهد تغییر در نظام سیاسی بوده است، کشور تونس می باشد، رشید الغنوشی رهبر حزب النهضته که حزب اسلام گرای حاکم بر تونس است رخداد های مصر را فاجعه خوانده و گفته است که در مصر قانون اساسی زیر پا گذاشته شد. غنوشی بدون شک از یک نگرانی در کشورش خبر می دهد که مبادا روزی تونس با سرنوشت مصر دچار گردد. زیرا در کشور تونس جریان های لیبرال مخالف نتیجهٔ انتخابات در این کشور بوده است.

از هنگام سقوط حکومت مرسی بدست ارتش، اسرائیل در یک نگرانی به سر می برد؛ زیرا اسرائیل از فروپاشی کامل نظام در مصر نگران است و این فروپاشی نظام در مصر، بالای شبه جزیرهٔ سینا تاثیر ناگوار خواهد گذاشت. تعدادی از کشور های عرب حوادث آخیر در کشور مصر را استقبال کردند و آن را نمونهٔ دموکراسی در این کشور خواندند. بحرین اقدامات ارتش را تمجید نمود. امارات متحده و عربستان سعودی رسماً از ارتش حمایت نمود و نیرو های افراطی را مسؤول این خشونت های آخیر دانستند و امارات گفته است که، ابوظبی آماده است در حدود سه میلیارد دالر را به مصر کمک نماید و سعودی نیز وعدهٔ همکاری به این کشور را داده است. باید گفت که حوادث مصر هشداری است برای کشور های عرب اسلامی. در صورت تداوم این وضع در کشور های عربی و اسلامی، بدون شک زیر ساخت های این کشور ها یکجا با انرژی بشری در این کشور ها از میان خواهد رفت. طوری که می بینیم در نتیجهٔ جنگ داخلی و نبود یک توافق میان کشور های عربی و قدرت های بزرگ جهانی، کشور سوریه از اقتصاد و نیروی بشری تهی گردیده و ارتش این کشور در حال فروپاشی می باشد، که نتیجه اش یک کشور ویران و تهیدست خواهد بود. امروز کشور عراق در نتیجهٔ خشونت های همه روزه در آتش نفاق داخلی می سوزد و تعدادی از نیروی بشری در این کشور از میان رفته است. در صورتی که جلو بحران در مصر گرفته نه شود، این کشور با سرنوشت سوریه و عراق دچار خواهد گردید.

کودتای مصر:
بدیع را زندانی کرد و مبارک را آزاد!

پوهنمل سید عنایت الله شاداب/ استاد دانشگاه کابل

طوفان حوادث مصر که با طلوع بهار عربی کاخ های استبدادی را در تونس، مصر ، یمن و لیبیا در هم کوبید و توده هایی وسیع محکوم به استبداد در برابر زین العابدین بن علی و حسنی مبارک، علی عبدالله صالح و قذافی به رهبری اخوان المسلمین وارد خیابان ها حماسه آفرینی ها کردند و به حیث یک خیزش عظیم مردمی در تبارز ارادهٔ توده ها در بازی قدرت، به پیش رفتند.

جنبشی که نه تنها دنیای اسلام بل دنیای غرب هم در نحوهٔ تبارز ارادهٔ مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود، زمزمهٔ آن را طنین انداز کردند. این جنبش بیدارگرانه و فراگیر مردمی در افریقا و آسیا به حیث یک آژیر خطر در کاخ های استبداد در کشورهای عربی و اسلامی با پوشش های دینی و ظاهراً مردم سالارانه ای که داشتند، به صدا در آمد و حتا جریان به نام سلفی را که شعارشان ... می باشد دست و پاچه کردن و همه در یک طیف وسیع بر ضد یک جریان جهانی واقفگرایی اسلامی و ناکام ساختن دست آورد های مردم سالارانه آن در کشور های محکوم به استبداد عربی و اسلامی وارد صحنهٔ گردیدند و هزینهٔ بزرگ پولی را صرف ناکامی حکومت برخاسته از اعماق ارادهٔ اکثریت قاطع مردم مصر کردند.

شگفت آور تر از همه این که از اسراییل و حامیان آن گرفته تا کشور های شاهی عربی و امارات خلیج و گروه های به نام سلفی با اتخاذ موضع واحدی در زیر یک سقف قرار گرفته و از گلوی یکدیگر آب نوشیدند و شعار برکناری و حذف اخوان المسلمین از صحنهٔ سیاسی مصر و ... را سر دادند و در نهایت حکومت برخاسته از ارادهٔ مردم و جریان حامی آن روانهٔ زندان گردیده و حکومت کودتایی از طریق به کاربردن زور بر کرسی قدرت سیاسی تکیه زده و مورد تایید و پشتیبانی نیرو های گردید که قبلاً از آن ها نام برده شد.

درست همان چیزی واقع شد که اردوغان نخست وزیر ترکیه به استناد گفتهٔ آن شخصیت یهودی تبار که گفته بود، اگر اخوان المسلمین از طریق صندوق آرای مردم هم به پیروزی رسد نهایتاً بر کنار خواهد شد.

و درست تطبیق همان توصیه های هانتنگتون و فرانسیس فوکویاما است که گفته بودند پس از سقوط اندیشهٔ سوسیالیزم حریف دیگری در برابر برتری غرب قرار دارد که کنفوسیزم و جهان اسلام است، اما محور های بحران در جهان اسلام است که باید سرکوب شوند و اگر کارگردانان امریکا به این کار اقدام نکنند در مقبرهٔ تاریخ دفن خواهند شد. رهبری اخوان المسلمین بعد از زندانی شدن حکومت برخاسته از ارادهٔ مردم به رهبری محمد مرسی مبارزهٔ مسالمت آمیزی را در زیر چتری به نام « تحالف رغم الشرعیه» پیمان پشتبانی از حکومت قانون) براه انداختند و شعار این مقاومت همان کلمات دکتور محمد بدیع بود که می گفت، « ثورتنا سالمه» (انقلاب ما مسالمت آمیز است) و « سلمتینا اقوی من الرصاص» مسالمت گرایی مقاومت ما نیرومند تر از گلوله است). مقاومت جنبش پیمان حکومت قانون بیش از یک ماه به گونهٔ مسالمت آمیز تداوم یافت» و در نهایت حکومت کودتایی در مصر همان توصیه های را به کار بست که نظریه پردازان پاسداری از برتری غرب سفارش داده بودند. و کشتارهای دد منشانهٔ میدان رابعهٔ عدویه و میدان نهضت که نماد عملی ای است از همان توصیه های یاد شده.

از گذشته های آغاز حکومت مردمی مصر تا اکنون هم سوال های متوجه حکومت مرسی شده و تا حال هم نقل مجالس در این جا و آنجا می باشد سوال های که می گفتند حکومت مرسی، حکومتی بود بی کفایت، چرا مرسی برای خود در اردو دست اندکار تهیه و آماده سازی سپاهی نگردید؟

یقیناً در حکومت مرسی ضعف های موجود بود که خود بحث علیحده را ایجاب می کند. اما این نکته را نباید علاقمندان این گونه مباحث از نظر دور داشته باشند که حکومت مرسی در طول یک سال حکومت خود در برابر چه چالش های برنامه ریزی شده ای قرار گرفت. جبههٔ سکولارها و لیبرال ها به رهبری برادعی و عمرو موسی، جبههٔ طرفداران مبارک و عمال آن در اردو و حکومت جبههٔ جریان های به نام سلفی که همه با تمویل امارت های خلیج و سایر حکومت شاهی منطقه از تشیع گرفته تا تسنن، چالش آفرینی کردند و حکومت هم با تآکید آزادی های سیاسی جلو هیچ تجمعی را نگرفت و کسی را هم روانهٔ زندان نکرد و نگفت که شما حاکمیت ملی مصر را به خطر مواجه می کنید. اما اینکه چرا حکومت مرسی برای خود طرفدارانی در اردو تهیه و آماده نکرد؟

البته پاسخ این را باید در خطر مبارزاتی جنبش اخوان المسلمین جستن که در مبارزات سیاسی نه خود ایمان به کسب مشروعیت سیاسی از طریق آرای مردم را داشته و مشروعیت های برخاسته از زور و قدرت غیر مردمی را، مشروعیت نمی خوانند. اما حالا که ارتش برکرسی حکومت نشسته و هر حرکتی ضد مشروعیت کاذب خود را به پیروی از اسلاف پیشین و پسین خویش به گلوله می بندد، حوادث مصر به آن پاسخ خواهد گفت و نقش اخوان المسلمین در جامعهٔ مصر نقشی است انکار ناپذیر و زندانی کردن رهبران اخوان تأثیری آنچنانی در حرکت صفوف آن نخواهد داشت.

نکتهٔ اخیر هم اینکه حالا بدیع و سایر رهبران اخوان در سلول های زندان قرار دارند و غاصبان و دزدان انقلاب در مقام داوری برحرکت اخوان نشسته اند و مبارک آزادانه به سوی خانه و فرمان روایی غیرمستقیم خود می رود و کودتا گران و عمال آن ها دست آورد انقلاب ۲۰۱۱ مصر را با دست آوردها و خون شهدایی آن بر دیوار کوبیدند و برخلاف شعر معروف:

همی گفتند: نگردد آب رفته باز برجوی / به چشم خویش دیدم که برگشت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم و یکم ۲ سنبله ۱۳۹۲ ۱۷ شوال المکرم ۱۴۳۴ – 24 August 2013

د ولسواکۍ پایله:

مجرم حسني مبارک بنايي ازاد شي او ولس ته نجات ورکړی مرسي به په زندان کې وي؟!!

■ د شفيق ليکنه

په مصر کې د جولايي په دريمه نيټه د واک غلا کوونکو مصري پوځيانو لخوا د دکتور محمد مرسي له واک څخه گوښه کولو وروسته، چې کله مصري پوځيانو د اگست په څوارلسمه په بې وسلې مظاهرينو گولۍ وورولې او ټينکونه او بلدوزرونه يې په هغو اسلامپالو وروخيژول چې د ولسواکۍ له لياري يې گټلې واکمنۍ د بيرته لاسته راوړنې او د خپل منتخب ولسمشر د ازادولو او واک ته بيرته د رسيدو لپاره يې سوله ايزې مظاهرې کولې نو ورڅخه په زرگونو تنه يې شهيدان کړل او بيا يې د رعمسيس ميدان خواته په الفتح جومات کې په محاصره شوو مظاهره چيانو هم د گوليو ورولو وروسته، د هغوی قيادتونه بنديان کړل او ځينې يې زندان ته په بندو موټرو کې په انتقالولو سره پرې د اکسيجن بندولو په واسطه شهيدان کړل چې شپږ ديرش تنه وو. او هم يې د الاخوان المسلمون گوند مرکزي لارښود دکتور محمد بديع هم بندي کړ نو اوس د لويديځ او امريکا ملاتړ کوونکي پوځيان د هغه تاريخي جنايتکار د ازادولو خبره هم کوي چې د مصر د ولسي پاڅون پر مهال يې له اته سوه وو څخه زيات بې وسلې مظاهرين شهيدان کړي وو؛ چې هغه له ديرشو کلونو راهيسې په مصر باندې په زور مسلط واکمن د يو ايشتمې پيړۍ فرعون حسني مبارک دی. او بلې خوا ته بيا د هغه اسلامپال گوند په زرگونه پيروان شهيدانولی شي چې مصري ولس يې ددغه فرعون له واکمنۍ څخه په پرله پسې مظاهرو خلاص کړی وو او مصر ته ددغه نجات ورکوونکي گوند زعامتونه اوس زندانونو ته غورځولی شي چې مصري ولس ورته د ولسمشرۍ د ټاکنو پر مهال ۷۱،۵۱ رايې ورکړې وې او داسلامي مصر لپاره يې په اسلامي شريعت ولاړ اساسي قانون جوړولو په حق کې ترسره شوي ټولپوښتنه کې ۶۳،۶۱ وگړو ملاتړ حاصل کړی وو.

دې ته وايي د لويديځ دموکراسي؛ چې د غربي نړۍ غلامان مشرانو يې د تطبيق لپاره په خپلو پيسو سره دسيسه جوړه کړېوه.

داروپايي ټولنې غونډه پدې هکله د چهارشنبې په ورځ دايره شوې وه چې د مصري پوځي واکمن رژيم سره د خپلو اوه نيم مېلياردو په مرسته غور وکړي؛ چې ايا د مصر سره يې وکړي او که نه؟ پداسې حال کې چې له اروپايي ټولنې څخه د المان هيواد خپل هر ډول مرستې له دغې هيواد سره بندې اعلان کړيدي. خو له غونډې يوه ورځ مخکې د عربي نړۍ له ټولو غټ ديکتاتور رژيم لرونکی هيواد سعودي عربستان د بهرنيو چارو وزير د فرانسې له ولسمشر فرانس واهولان سره د ليدنې پر مهال نوموړي ته دا گواښ کړی وو چې داروپايي ټولنې لخوا دا ډول فشارونه کوم اغيز نلري (چې مقصد يې ورڅخه ددغه اسلامي؟ هيواد د مسلمانانو پانگې له مصري فرعوني رژيم سره د مرستو لپاره لگولو ته اشاره وه، چې لا د دکتور محمد مرسي د رژيم د پرځولو پر مهال يې هم ورسره د پنځه مېلياردو ډالرو په مرستې اعلانولو سره خپل ملاتړ ښودلې وو). او هم يې د فرانسې ولسمشر سره د ليدنې پر مهال ورته دا ويلې وو چې سعودي د پخواني ولسمشر حسني مبارک سره د دوستۍ نږدې او ژورې اړيکې لري.

بلې خواته تيره اونۍ هغه مهال چې د مصري پوځ لخوا د الاخوان المسلون د گوند د مظاهره چيانو څخه شپږ ديرش تنه زندان ته، له اکسيجن څخه د يو خالي موټر په وسيله، د انتقالولو پر مهال شهيدان کړل نو د رفح په سيمه کې په پوليسو باندې د يوې حملې په ترڅ د پنځه ويشتو پوليسو وژل کيدل د دکتور مرسي له پلويانو سره د اسرائيلو خوا کې د نږدې پرتې دغې سيمې د وسله والو تعاطفي عکس العمل وښوده چې که مصري واکمنان د خپلو مخالفينو د وژلو لړۍ ته دوام ورکړي نو ځواب به يې همداسې وي؛ پداسې حال کې چې اخواني قيادت د دا ډول وژنو پلوي نکوي.

د مصر په پيښه او ناورين کې که واک غلا کړي پوځي واکمنان د الاخوان المسلمون د قيادتونو د نيولو لړۍ ته زور ورکړی او ترديې چې ددغه گوند د مرکزي لارښود (چې يو ځوی يې هم په مظاهرو کې شهيد شوی) له نيولو وروسته اوس داسې دسيسې هم جوړوي چې د دکتور مرسي په گډون ښايي ډير قيادتونه په زندانونو کې ووژني او بيا ورته د انتحار هغه بې مفهومه نوم ورکړي چې تالي څټې واکمنان دغه حربه ډيره کاروي. د لويديځې نړۍ له نوي مصري پوځي واکمن رژيم سره د همغږۍ او ملگرتيا دربځونه (چې له وروستيو خبرونو له مخې د اروپايي ټولنې پريکړه هم يوازې د تشدد په غندلو رامينځته شوه او خپلې مرستې به له مصر څخه بندې نکړي او اوباما خو لا تراوسه ورته پوځي کودتا نه وايي او د دموکراسۍ تحقق ورته وايي) له هيچا پټ ندی؛ چې د انساني ضمير څخه ليري دربځونه دي. د بانکي مون ډرامه يې ځرگندونو هم د ملگرو ملتونو ځيره برينډوي چې د رفح په سيمه کې د پنځه ويشت پوليسانو وژنه غندي هغوی چې جگړه کې ښکيل دي او له اکسيجن څخه خالي موټرونو کې په انتقال سره د شپږ ديرش بې وسلې مصريانو او له خپل مشروع حق څخه دفاع کوونکو مظاهره چيانو په انتقالولو سره د هغوې په قصدي توگه پدې توگه شهيدانولو باندې يوازې افسوس کوي!!! نو ځرگنديږي چې نړۍ عملاً په يوه نړيواله جگړه کې ښکيل ده؛ چې يو خوا يې بې وسلې مسلمان ولسونه دي او بلې خوا ته په نظامي لحاظ د نړۍ غټ ځواکمن هيوادونه او ورسره د هغوی تالي څټي تش په نامه مسلمان واکمنان دي، چې د خپلو ولسونو په وژلو کې له هر ډ بې رحمۍ او غلامۍ کار اخلي خو کاشکې چې اسلامي ولسونو صلاح الدين ايوبي لرلای او يا کم تر کمه يې سياسي شعور پياوړی وای او يا هم په پاتې نړۍ کې بل هټلر راغلی وای.

محاکمهٔ سربازامریکایی تا دو هفتهٔ دیگر



محاکمهٔ سرباز امریکایی رابرت بیلز که در ساعات نیمه شب ۱۱ مارچ سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۶ نفر را در دو روستای ولایت قندهار، به قتل رسانیده و بیشتر قربانیان زنان و کودکان بودند، - خود نیز به آن اعتراف دارد - در پایگاه نظامی لوئیس مک کورد در ایالت واشنگتن در غرب امریکا انجام می‌شود. انتظار می رود تا حدود دو هفتهٔ دیگر حکم دادگاه صادر شود.

دادستان‌ها تلاش می‌کنند که حکم حبس بدون امکان عفو برای آقای بیلز صادر شود، اما وکیل مدافع متهم به دنبال مجازاتی خفیف تر از جمله حبس ابد با امکان عفو است.

بنا بر گزارش‌ها، دادستان ها نُه تن افغان را که از آن حملهٔ این سرباز امریکایی جان سالم به در بردند به عنوان شاهد به دادگاه آورده اند. در جریان محاکمه همچنین تعدادی از شاهدان و خانواده های قربانیان در تماس های ویدیویی شهادت داده بودند. این کشتار که در قندهار بوقوع پیوسته بود اعتراضات گسترده ای را در افغانستان در پی داشت.

رابرت بیلز ۳۹ ساله، برای چهارمین بار به افغانستان اعزام شده بود. گفته می شود او در شبی که مرتکب کشتار شد، الکل غیرمجاز نوشیده و والیوم استنشاق کرده بود. وکیل رابرت بیلز گفته است، او در زمان این ماجرا، از «اختلال استرس پس از سانحه» و "آسیب روانی" رنج می‌برده است. اما دادستان ها گفته اند، که آن کشتار "شنیع" با تعمد و هوشیاری رابرت بیلز انجام شده بود.

به گفتهٔ دادستان‌ها متهم پس از به قتل رساندن عده ای غیرنظامی در یک روستا به پایگاه بازگشته و به یکی از دوستانش هم ماجرا را حکایت کرده است اما آن سرباز حرف رابرت بیلز را باور نکرده بود. رابرت بیلز سپس به روستای دوم می رود و عده ای دیگر را در آنجا به ضرب گلوله به قتل می رساند. بستگان کشته شدگان، به بی‌بی‌سی گفته اند از اینکه رابرت بیلز ممکن است به اعدام محکوم نشود، خشمگین هستند.

استفاده از سلاح های شیمیایی در سوریه



◇ اندیشه

سازمان ملل متحد در پی انتشار خبرها مبنی بر استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه، یک نشست فوری تشکیل داد. سخنگوی بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد بعد از این جلسه، در بیانیهٔ گفت که آقای بان از شنیدن خبرها مبنی بر استفاده از این سلاح ها "شوکه" شده است. مخالفان حکومت سوریه گفته اند که حملهٔ شیمیایی حکومت تلفات سنگینی بر جای گذاشته است. سخنگوی آقای بان گفت که، او با دقت روند این تحقیقات و آنچه در سوریه روی می دهد را دنبال می کند. او در ادامه گفته است، اکنون گروه تحقیقاتی در حال گفتگو با دولت سوریه است. روز چهارشنبه ۳۰ اسد مخالفان حکومت سوریه نیروهای دولتی را به استفاده از گاز سمی متهم کردند.

آنها گفتند در این حمله به صدها نفر، کشته شدند. در میان قربانیان تعداد زیادی کودک نیز کشته شدند. فیلم ویدئویی را که الجزیره منتشر نمود، قربانیان این حمله را نشان می داد که در میان آنان کودکان دیده می شد، اما دولت سوریه استفاده از سلاح شیمیایی و حملهٔ روز چهارشنبه را تکذیب کرده است. کشورهای متعددی حملهٔ روز چهارشنبهٔ حکومت سوریه را محکوم کردند.

۳۵ کشور عضو سازمان ملل متحد نامهٔ را به امضاء رساندند که در آن، از گروه تحقیقاتی این سازمان در سوریه خواسته شده به طور دقیق در بارهٔ آنچه روی داده تحقیق کنند.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نیز در بیانیهٔ گزارش های منتشر شده دربارهٔ تعداد بالای کودکان قربانی را بسیار نگران کننده خواند. آمار دقیق تلفات کودکان و دیگر قربانیان روز چهارشنبه هنوز به طور دقیق مشخص نیست. سازمان ملل گفته که قرار است بازرسان شیمیایی سازمان ملل به زودی عازم سوریه شوند اما هنوز هم مشخص نیست که این سفر چه زمانی صورت می گیرد.

سخنگوی سازمان ملل گفته است که دولت سوریه موافقت کرده است که بازرسان پس از ورود به آن کشور، تا چهارده روز در آنجا بمانند. سازمان ملل دو هفته پیش گفت که، دولت سوریه در اصل قبول کرده که بازرسان به سه نقطهٔ سفر کنند که گفته می شود در آنها، اسلحهٔ شیمیایی به کار گرفته بود. یکی از این سه نقطه در نزدیکی شهر حلب واقع است و در ماه مارچ همین دولت سوریه شورشیان را متهم کرد که با استفاده از اسلحهٔ شیمیایی بیست و شش نفر را در آنجا کشته اند.